

تأثیر باورهای یهود در بازتولید نگاه جاهلی به حیات اجتماعی زن در جامعه اسلامی

فاطمه جعفرنیا¹

صادق آئینه‌وند²

لیلا هوشنگی³

چکیده

قبل از اسلام در منطقه جزیره العرب همانند سایر مناطق، نگرش منفی به زن نگاه غالب بوده است. اسلام این نگاه را متحول کرد. خلقت یکسان زن و مرد در گفتمان قرآن، تساوی آن‌ها را در کسب ارزش‌های معنوی و عدم تفاوت در مشارکت اجتماعی زن و مرد را به دنبال داشت. این بینش در گفتمان نبوی با حضور زن در اجتماعات دینی و در عرصه‌ی علم‌آموزی و مشارکت در امور جنبه‌ی عینی و عملی به خود گرفت. با رحلت پیامبر(ص) اراده‌ی جامعه‌ی اسلامی بر این اندیشه استوار شد که گفتمان اسلام در باب زن در حاشیه قرار گیرد. نگارنده بر آن است که عناصر ادیان و اقوام دیگر از جمله عناصر فرهنگ یهود در تقویت این جریان و بازتولید نگاه جاهلی به زن تأثیر گذار بودند. فرهنگ یهود که در برگیرنده‌ی شاخص‌های نگاه منفی به زن در بعد اجتماعی بود، بانگاه جاهلی در این زمینه هم‌سوئی یافت. نتیجه‌ی مبین آن است که سیاست خلفا در فراهم کردن زمینه برای نفوذ و رواج عناصر فرهنگ یهود به وسیله احبار نو مسلمان و راویان آن‌ها منجر به ظهور احادیث و روایت‌های شد که هر چند به نام احادیث اسلامی به فرهنگ اسلامی راه یافت، اما در حقیقت چیزی

¹ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء

² استاد گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

³ استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء (س)

تاریخ دریافت: 89/6/30 تاریخ تایید: 89/10/19

جز بازتولید نگاه جاهلی به زن نبود. از این رو، آگاهی از آموزه های اصیل اسلامی از آموزه های جاهلی بازتولید شده به نام اسلام از اهداف این پژوهش است.

واژه های کلیدی: زن - قرآن - سیره نبوی - عصر جاهلی - یهود - اموی - عباسی

مقدمه

در باب وضعیت زن در ادوار مختلف تاریخ و در میان اقوام و ملل گوناگون، پژوهش های متعددی صورت گرفته است. بر این اساس، نگاه منفی به زن، نگرش غالب در میان تمامی اقوام و ملل بوده است. در منطقه ی جزیره العرب قبل از ظهور اسلام نیز نگاه منفی به زن غلبه داشته است. با ظهور اسلام، زن از مقام و موقعیت بهتری برخوردار گردید. پیامبر (ص) می کوشید تا با اجرای آموزه های قرآنی، دیدگاه مسلمانان را نسبت به زنان متحول کند. در عصر نبوی (ص)، جامعه مبتنی بر حضور فعال زن مسلمان در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود و این فعالیت ها مورد تأیید پیامبر (ص) بود. البته در عصر نبوی (ص)، زنان بیشتر حضور فکری و دینی داشتند و بدون آن که مستقیماً در اداره ی جامعه وارد شوند در تحولات جامعه اسلامی ایفای نقش می کردند. تداوم این وضعیت می توانست در دوره های بعد، شرایط مطلوب تری برای زنان در جامعه اسلامی به وجود آورد. اما با رحلت پیامبر (ص) جامعه دستخوش تحولات گردید و بسیاری از سنن جاهلی بازتولید شد. حادثه ی سقیفه به عنوان نخستین انحراف در جامعه ی اسلامی، اثر خود را بر وضعیت زنان نیز بر جای گذاشت. سنت های گذشته به سرعت بازگشتند تا بر جامعه و سیر حرکت آن حاکم شوند. بدین ترتیب، تعالیم اسلام درباره ی جایگاه زن با بی توجهی مواجه شد و دیدگاه جامعه نسبت به ایشان دگرگون گردید. از همان ابتدا، خلفا به عنوان جانشینان پیامبر (ص)، در برخورد با زنان روشی برخلاف روش پیامبر (ص) در پیش گرفتند. بنابراین، در گام نخست حکومت به عنوان اولین عامل در بازتولید نگاه جاهلی به زن نقش داشت. علاوه بر این، باورهای ادیان پیش از اسلام از جمله یهود نیز در این زمینه تأثیرگذار بود. سابقه ی نفوذ باورهای یهود در میان اعراب جزیره العرب به دوره ی قبل از اسلام باز می گردد. در دوره ی اسلامی هم بسترهای مناسب برای نفوذ و رواج عناصر فرهنگ یهود فراهم شد. آنچه که بعد

از رحلت پیامبر (ص) در جامعه‌ی اسلامی رخ داد، تداوم اقدامات پیامبر (ص) و اجرای تمامی آموزه‌های اسلامی در باب زن نبود. نفوذ و رواج باورهای یهود در جامعه‌ی اسلامی با اندیشه‌های جاهلانیه از زن هم‌سوایی یافت و به بازتولید نگاه جاهلی در این زمینه یاری رساند. بر این اساس پاسخ به این سوال ضروری است که، باورهای یهود، در بعد اجتماعی چه تأثیری در بازتولید نگاه جاهلی به زن در جامعه‌ی اسلامی داشته است؟

جهت بررسی موضوع، فرضیه‌ی زیر مورد توجه می باشد:

بازتولید نگاه جاهلی به زن در جامعه‌ی اسلامی (در زمینه‌ی اجتماعی) مبتنی بر تأثیرپذیری از باورهای یهود در باب محدودیت زن در انجام مراسم مذهبی و عدم مشارکت اجتماعی او بوده است. به نظر می رسد، این مسأله در نهایت، تطور آموزه‌های اسلام را به دنبال داشت و سبب شد تا آنچه در متون و منابع اسلامی در باب زن انعکاس یافت در تعارض با اسلام و آموزه‌های آن باشد. نگاه به زن بعد از رحلت پیامبر (ص) بازتولید نگاه جاهلی است نه نگاه اسلامی متأثر از سنت نبوی (ص). لذا، شناخت آموزه‌های اصیل اسلامی از آموزه‌های جاهلی بازتولید شده به نام اسلام از اهداف این پژوهش است.

شاخص‌های نگاه جاهلی به حیات اجتماعی زن

در نگاه جاهلی، زن به لحاظ جسمی موجودی ضعیف و ناتوان به حساب می آمد. پیامد این نگرش آن بود که جامعه از داشتن فرزند دختر کراهت داشت. عرب جاهلی، زن را به مکر و خدعه متهم¹ و از مشورت با او خودداری می کرد². بر این باور بود که زنان از خرد تهی می باشند³. پیامد چنین نگاهی آن بود که زن، هیچ مقام و منزلت مستقلی نداشت و همواره تابع مرد بود. در عصر جاهلی، زنان هم مرتبه‌ی کودکان به شمار می آمدند؛ چون نمی توانستند با دشمن بجنگند. از زن بیش از هر چیز ازدیاد نسل قبیله را انتظار داشتند⁴. برای بررسی وضعیت اجتماعی زنان در عصر جاهلی، می

¹ - مشارقه (1988) ص 133

² - حسین الحاج، (1984) ص 145

³ - جوادعلی، (1413) ج 4، ص 618

⁴ - جواد علی، (1413)، ج 4، ص 638

توان آنان را به سه گروه شریف، فقیر و کنیز تقسیم کرد. زنان شریف که اقلیتی محدود را تشکیل می دادند، متعلق به خاندان‌های ثروتمند و صاحب نام قبایل معروف و قدرتمند بودند. این زنان به دلیل شرافتِ حسب و نسب از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند که سایر زنان را از آن بهره‌ای نبود.¹ در گروه دوم؛ زنان فقیر که اکثریتی از زنان بدان تعلق داشتند، هیچ امتیاز خاصی به چشم نمی خورد. به اعتباری، تقریباً تعریف واقعی زن عصر جاهلی با لحاظ این گروه معنا می یابد. شأن و منزلت این زنان بسیار اندک و زمام زندگی آن‌ها در دست مردان بود.² گروه سوم؛ کنیزان بودند که از همان اندک شأن زنان معمولی نیز برخوردار نبوده اند. کنیزان، ملک مطلق اربابان خود بودند، بی آن‌که از حقی بهره‌مند باشند.³ زنان در جاهلیت مشاغلی بر عهده داشتند.⁴ البته مشاغلی که زنان به آن‌ها می پرداختند، ارزش و مقامی برای آنان به وجود نمی آورد، چرا که آن مشاغل برای مردان تحقیرآمیز بود.⁵ در ارتباط با مقوله‌ی علم‌آموزی به عنوان یکی از شاخص‌های مشارکت اجتماعی زنان باید توجه داشت که اصولاً این مقوله برای جامعه‌ی جاهلی چندان مفهومی نداشت. آنچه به عنوان علم در جامعه‌ی عرب جاهلی دیده می شود، در حدّ دانسته‌های محدود بشری است که تحت عناوین معدودی تقسیم‌بندی شده است. همان علوم معدود با همه‌ی بساطت در اختیار مردان بود. البته در برخی از علوم چون علم الشعر، علم الکهان و علم الطب به برخی زنان نیز اشاره شده است. با توجه به این‌که در جامعه‌ی جاهلی، قدرت مردانه حرف اول را می زد و در شرایطی که زنان را فاقد خرد می دانستند، بدیهی است که با حاکمیت چنین اندیشه‌ای، حتی در صورت برخورداری جامعه از علوم پیشرفته، باز هم زنان بهره‌ای از علم-آموزی نمی بردند. در مجموع می توان گفت که جامعه فاقد نگاه برابر به حضور و مشارک زنان و مردان در مناسبات اجتماعی بود.

زن در قرآن و سیره

1 - حسین الحاج، (1984) ص 134

2 - مشارقه (1988) ص 136

3 - همان، ص 137

4 - ابن قتیبه، (1415)، ص 316

5 - ابوالفرج اصفهانی، (بی.تا)، ج 5، ص 67

را مختص مردان ندانسته است¹. در شریعت اسلام، زن و مرد، یکسان به دانش طلبی و کسب علم و دانش دعوت شده اند². کار و تلاش اقتصادی زنان و مردان و مالکیت آنان بر درآمد حاصل از کسب و کار خویش مورد تایید قرآن می باشد³. بدین ترتیب، از نظر قرآن زنان نیز مانند مردان می توانند در کسب و انجام معاملات، علم آموزی و در حوزه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقل باشند و هیچ فرقی با مردان ندارند.

2- حیات اجتماعی زن در عصر نبوی

در باب اهمیت سیر هی پیامبر (ص) و لزوم توجه مسلمانان به آن باید توجه داشت که خداوند در قرآن، سنت پیامبر (ص) را بهترین الگوی عملی برای مؤمنان معرفی کرده⁴ و پیروی از او را قرین اطاعت از خود⁵ و نافرمانی از او را مایه‌ی ضلالت و گمراهی از مسیر هدایت دانسته است. قرآن کریم، کلام و سنت پیامبر (ص) را هم‌سنگ و هم‌تراز خود می داند⁶. به این ترتیب، احادیث و سنن نبوی ماهیتی جز تفسیر و تبیین آیات قرآنی ندارد که هر مسلمانی ناگزیر به آموختن آن است⁷.

حضور زنان در اجتماعات دینی؛ همان‌طور که دیدیم، خداوند زنان را چون مردان به تعاون بر برّ و نیکی، امر به معروف و نهی از منکر، شرکت در حجّ و نماز جمعه و غیره دعوت می کرد. انجام این اعمال بدون حضور اجتماعی و توجه به مسائل و شرکت در تجمع‌ها غیرممکن است. شواهد نشان می‌دهد که زنان مسلمان در عصر نبوی، در صحنه‌ی اجتماع حضور فعال داشتند و رسول خدا (ص) نه تنها آنان را از انجام این کارها نهی نکردند، بلکه آنان را تشویق نیز نمودند و حضور آنان را در این صحنه ستودند⁸. در عصر پیامبر (ص)، زنان در اجتماعات مختلف مسلمانان شرکت می کردند. از جمله: حضور

¹ - بقره/151

² - مجادله/11

³ - نساء/32

⁴ - احزاب/21

⁵ - نساء/80

⁶ - معماری، (1384)، ص23

⁷ - معارف، (1377)، ص33

⁸ - ابن حجر، (بی.تا)، ج.8، ص34

حضور در مساجد؛ در دوران رسالت و پس از آن، مسجد مرکز عبادت، علم و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود و این فرصت زیادی برای زنان فراهم می‌کرد که در عبادات جمعی شرکت کنند، به قرائت قرآن توجه نمایند و سخنرانی‌های عمومی رسول خدا(ص) و بزرگان دین را بشنوند. به علاوه با زندگی و مسائل مسلمانان آشنا و از اخبار اجتماعی و سیاسی ایشان آگاه شوند. به همین دلایل، رسول خدا(ص) بر حق حضور زنان در مساجد تأکید می‌ورزیدند¹. از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود: وقتی همسرانتان از شما اجازه خواستند که در نماز جماعت شب (عشاء) شرکت کنند به ایشان اجازه دهید². نصوصی وجود دارد که شرکت زنان در نماز میت و نماز آیات را تأیید می‌کند³. زنان در نماز جمعه نیز شرکت می‌کردند⁴. شرکت در نماز عیدین؛ زنان به همراه مردان برای اقامه‌ی نماز عید، در مجالس مسلمانان شرکت می‌کردند و رسول خدا(ص) بر شرکت زنان صحه می‌گذاشتند⁵.

تعلیم و تعلّم زن در سیره‌ی پیامبر(ص)؛ آیات و روایاتی که زن و مرد را به فراگیری دانش، تشویق و ترغیب می‌کند، فراوان است. رسول خدا(ص) مردم را به کسب علم و دانش دعوت می‌کرد و فراگیری آن را بر مردمان واجب می‌دانست. به ویژه، به گونه‌ای خاص، مردم را به احسان و آموزش دختران ترغیب می‌کرد⁶.

رسول خدا(ص) روز خاصی را به تعلیم زنان اختصاص داده بود⁷. هم چنین، زنان باسواد و تعلیم دیده با توجه به توان و امکانات خود به عنوان یک تکلیف شرعی علم خویش را به دیگران

¹ - جلالی، (1383)، ص 115

² - بخاری، (1407)، ج 1، ص 277

³ - قشیری نیشابوری، (1972)، ج 3، ص 63

⁴ - بخاری، (1407)، ج 1، ص 285

⁵ - قشیری نیشابوری، (1972)، ج 3، ص 21

⁶ - بخاری، (1407)، ج 4، ص 91

⁷ - همان، ج 2، ص 99

منتقل کرده‌اند. زنان بسیاری در تاریخ اسلام، علاوه بر فراگیری دانش به امر تعلیم و آموزش پرداخته-
اند.¹

مشارکت سیاسی؛ در عصر نبوی، زنان مسلمان هم‌چون مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی شرکت داشتند. از جمله؛ بیعت با پیامبر(ص)²، هجرت³، حضور در رایزنی‌ها⁴، حضور در سریره‌ها و غزوه‌ها⁵، تشویق سپاهیان مسلمان به مبارزه⁶ و نیز تدارکات و پشتیبانی در صحنه‌های نظامی⁷ شرکت داشتند.

شاخص‌های نگاه منفی به حیات اجتماعی زن در فرهنگ یهود

در باب خلقت زن، دیدگاه غالب در فرهنگ یهود آن است که خداوند زن را از دنده‌ی مرد خلق کرد.⁸ این تلقی از آفرینش زن، بیان‌گر آفرینش غیر مستقل زن است و این که زن از مرد آفریده شده است. پیامد چنین بینشی آن است که زن واسطه‌ی گناه اولیه است. او محکوم ازلی به نقش دوم بودن است.⁹ این امر زمینه را برای برداشت‌های زن ستیزانه و نگاه تحقیرآمیز به زن فراهم کرد. چنین نگرشی نگرشی به خلقت زن، تأثیرات منفی در ابعاد مختلف از جمله در بعد اجتماعی بر جای گذاشت.

حضور زن در اجتماعات مذهبی

در ادبیات تورات یک نوع مذکر گرایی دیده می‌شود. این مذکر محوری، در احکام نیز نفوذ دارد. شامل نشدن زنان در برخی از قوانین، اصلی است که در تلمود نهفته است.¹⁰ زنان تقریباً از آن-دسته احکام شرعی که انجام دادن آن‌ها بر زمان خاصی از روز یا سال مبتنی است، معاف شده‌اند. این

¹ - ابن حجر، (بی.تا)، ج.8، ص.12

² - ابن سعد، (1405) ج.8، ص.412؛ ابن اثیر، (بی.تا)، ج.5، ص.395

³ - ابن هشام، (1985) ج.1، ص.358

⁴ - بخاری، (1407)، ج.6، ص.274

⁵ - ابن هشام، (1985) ج.1، ص.96

⁶ - واقدی، (1409)، ج.1، ص.278

⁷ - ابن حجر، (بی.تا)، ج.8، ص.242

⁸ - تورات، (1094): سفر پیدایش، 2:23-21

⁹ - تورات، (1094): امثال سلیمان، 6:24-35

¹⁰ - Talmud, Qiddushin, 33B

احکام، بسیاری از آیین‌های معروف زندگی یهودی را در برمی‌گیرند: پوشیدن صیصیت (تن‌پوش لبه دار چهارگوش)، بستن تِفیلین (تعویذها)، قرائت دعای شَمَعِ یسرائل، دمیدن در شوفار، برپا داشتن سوکا و زیارت. زنان مجاز نیستند که مینیان (حد نصاب) را برای برگزاری نماز جماعت تشکیل دهند. در واقع، زنان در بسیاری از حد نصاب‌های دینی و شرعی محاسبه نمی‌شوند. مثلاً، اگر در یک کنیسه بخواهند، یک مراسم رسمی عبادی برگزار بشود باید حداقل ده نفر مرد حضور داشته باشد و زن‌ها را نمی‌شمارند. در بسیاری از سرشماری‌های قوم بنی اسرائیل که در کتاب مقدس هم آمده، گویی زنان، اصلاً دیده نشده و به شمار نیامده‌اند.¹ هم‌چنین در معبد مقدس نیز زنان تا حدی (تا حیاط یا دهلیز) حق داشتند حضور داشته و پیش بروند. یا سلیمان، زنش را به کاخی غیر از کاخ داوود، آورد؛ چون هر جا تابوت مقدس وارد شود، مقدس خواهد بود؛ و ظاهراً زنان نباید وارد آن‌جا شوند.² هم‌چنین زنان از بهره‌گیری از بعضی از اغذیه‌های آیینی محروم هستند... فرمان‌هایی هم که به محیط بیرون از خانه مربوط می‌شود، بر زن واجب نیست.³ طبق هلاخا، خواندن تورات و دعا در اجتماعات و مراسم مذهبی عمومی جزو وظایف شرعی مرد است. در احکام دین یهود تناقض در نماز زن نیز دیده می‌شود. نماز بر زنان واجب است؛ اما، خواندن شَمَعِ یسرائل، تشهدی که باید دوبار در روز (صبح و شام) گفته شود، بر زن‌ها واجب نیست؛ زیرا جزو فرمان‌هایی است که به زمانی خاص وابسته است.. نتیجه این معافیت این بوده که زن‌ها از فعالیت‌های اجتماعی، نماز جماعت (همراه مردها) کناره‌گیری کرده، در خفا و به‌طور انفرادی به عبادت خدا بپردازند.

علم‌آموزی زن از دیدگاه فرهنگ یهود

در فرهنگ یهود، به تعلیم و تربیت کودکان و آموختن تورات بسیار توصیه شده است. طبق هلاخا، پدر موظف است که به فرزندش، تورات بیاموزد. اما این الزام فقط در مورد فرزند پسر

¹ - تورات، اعداد، 39:3 و خروج، 37:12.

² - تورات، کتاب دوم تواریخ، 11:8.

³ - هولم، (1384)، 224.

است و نه دختر¹. مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، نظرات مخالف با یکدیگر در امر تعلیم و تربیت دختران است. گفته شده: «انسان موظف است که تورات را به دختر خود بیاموزد؛ لکن، به دنبال این نظر بلافاصله، عقیده ای مخالف ابراز شده است: «هر کس که تورات را به دختر خود بیاموزد، چنان است که گویی، مطالب بیهوده و زشت را بدو آموخته است². گرچه این عبارت، بعدها کمی تعدیل و گفته شده است که زنان ملزم به خواندن تورات نیستند؛ لذا زنان کمی تعلیم می یافتند³. اما نگاه غالب در امر تعلیم و تربیت دختران آن است که هر کس به دختر خود تورات بیاموزد، چنان است که گویی به او کلمات و مطالب جلف و هرزه و پوچ و بی معنا آموخته است. در تلمود آمده است که عالمی یهودی در پاسخ به پرسش زنی در باب مسأله‌ای از تورات طفره می رود و با تندی به آن زن می گوید: عقل زن به درد خیاطی می خورد⁴. به استناد رویکرد نخست، زنی که تورات می آموزد، شایسته پاداش است، اما نه همانند مرد. زیرا وی مأمور به یاد گرفتن نیست. لیکن علما فرمان داده‌اند که مرد به دخترش تورات نیاموزد؛ چرا که ذهن و عقل بیشتر زنان پذیرش تعلیم را نداشته و آنان، کلام تورات را ضایع می سازند⁵.

در باب چگونگی خدمت زنان به تورات و ارتباط آنان با امر آموزش گفته شده است که زنان با خدمت به همسر و پسرانشان و این‌که خانه را برای آن‌ها آماده می کنند و آن‌ها را تشویق می کنند که به دنبال خواندن تورات و تلمود باشند و شب، هنگام بازگشت آن‌ها به خانه به استقبال ایشان بروند... از این طریق به تورات خدمت می کنند؛ و ثواب و اجر عظیم بدست می آورند⁶.

¹ - Talmud, Qiddushin, 33a

² - Talmud. Mishnah Sotah. 3:4

³ - Encyclopedia Judaica ; ذیل: Woman

⁴ - Encyclopedia Judaica ; ذیل: Education of Jewish women

⁵ - Talmud و Hil khot 1, 13

⁶ - Talmud Berakhot , 17a; ذیل: Encyclopedia judaica ; نیز نک:

زن و مشارکت در امور سیاسی

در باب حضور زنان در اداره‌ی جامعه و مشارکت در امور مربوط به آن، در فرهنگ یهود، بر این باور بودند که به کارگیری زنان برای کارهای پرتحرک در جامعه مجاز نیست. به لحاظ اجتماعی، زنان برای شغل‌های اجرایی و قضایی صلاحیت ندارند¹. هم‌چنین آمده است: "ای قوم من! هرگاه رهبران شما، کودکان و حاکمان شما زنان باشند. آنان شما را به گمراهی و نابودی می‌کشاندگانعکاس این نگاه در فقه یهود هم باعث شده است که زنان حق ریاست نداشته باشند.

چگونگی نفوذ عناصر فرهنگ یهود به جامعه‌ی اسلامی

رحلت پیامبر(ص)، تغییراتی در گفتمان اسلام به دنبال داشته است. نخستین نشانه‌های تغییر در گفتمان نبوی را در مسأله‌ی جانشینی پیامبر(ص) شاهد هستیم. بدیهی است، با بی‌توجهی جامعه به توصیه‌های پیامبر(ص) در امر حکومت می‌توان انتظار داشت که در سایر زمینه‌ها نیز، سیره‌ی پیامبر(ص) به راحتی به حاشیه رانده شود. سیاست خلفا در قبال زنان از جمله اموری بود که با گفتمان قرآن و گفتمان نبوی(ص) در تعارض بود. خلیفه دوم که یک بار در عرصه‌ی سیاسی، خواسته‌ی خود را جامعه‌ی عمل پوشانده بود، از آن‌جا که تمایل چندانی به همراهی با گفتمان نبوی در مورد زنان در عصر پیامبر(ص) نیز نداشت². با در دست گرفتن قدرت و یا اتخاذ سیاست منع نقل و نگارش حدیث، از رواج سنت پیامبر(ص) در این زمینه که مسلماً با سیاست او در تعارض بود، ممانعت به عمل آورد. این اقدام زمینه را برای نفوذ عناصری از باورهای یهود به فرهنگ اسلامی فراهم کرد. رواج باورهای یهود در باب خلقت زن و معرفی زن به عنوان عنصر گناه اولیه در جامعه‌ی اسلامی از سوی احبار نومسلمان³ زمینه را برای بازتولید عناصر فرهنگ جاهلی در بعد فکری به وسیله‌ی اعراب

¹ - Talmud, Qiddushin, 33b

² - ابن سعد، (1405)، ج 8، ص 145

³ - برای نمونه نک: روایت وهب بن مُنبه: تفسیر طبری؛ (1412): ج 1، ص 273

5- تورات، اشعیا، 4:3

مسلمان فراهم کرد. علاوه بر این، مفاهیم جدیدی از باورهای یهود از جمله در زمینه‌ی حیات اجتماعی زنان از طریق راویان وابسته به حکومت وارد فرهنگ اسلامی شد. پیامد رواج این عناصر آن بود که خلیفه‌ی دوم برخلاف سنت پیامبر(ص) اقدام به ایجاد محدودیت برای علم‌آموزی زنان و حضور آنان در اجتماعات دینی کرد. این دسته از باورهای یهود که در اصطلاح اسرائیلیات نامیده می‌شود، عمدتاً بار ارزشی منفی دارند¹ عوامل متعددی در پیدایش و گسترش اسرائیلیات نقش دارند². اما ممنوعیت نقل و نگارش حدیث و میدان دادن خلفا به ویژه خلیفه‌ی دوم و معاویه به نومسلمانان یهودی و نصارا و داستان سرایان از عوامل مهم ورود اسرائیلیات و رواج آن در فرهنگ اسلامی است. بدین ترتیب، بیشتر راویان اسرائیلیات، یهودی‌های مسلمان شده بودند و اکثر آن‌ها از تابعان به شمار می‌رفتند. اینان شاگردان متعددی داشتند که به نشر و گسترش روایت‌های آن‌ها کمک می‌کردند³. به نظر می‌رسد، هدف اصلی خلیفه‌ی دوم از منع نقل و به ویژه نگارش حدیث، تحقق بخشیدن به خواسته‌هایش بود⁴. ابتدا در جهت تثبیت حکومت خود، باید از نشر احادیث پیامبر(ص) در باب فضایل اهل بیت و جانشینی علی(ع) ممانعت می‌کرد. در سایر زمینه‌ها از جمله در موضوع مورد پژوهش، به نظر نگارنده، با توجه به این‌که بینش و تفکر خلیفه‌ی دوم در این مورد برخلاف سیره‌ی پیامبر(ص) بود، می‌توانست با ممانعت از نقل و نگارش احادیث نبوی مانع از انتشار و رواج سیره‌ی پیامبر(ص) در باب زن شود. اگر توجه کنیم، در می‌یابیم که عمر از نقل روایت توسط آن دسته از صحابه‌ی پیامبر(ص) که منافع و خواسته‌های او را تهدید می‌کردند، جلوگیری می‌کرد. در همان حال، تعدادی از علمای اهل کتاب که مسلمان شده بودند، اجازه نشر روایت‌های اسرائیلی را از خلیفه داشتند و آزادانه، اندیشه‌های انحرافی خود را منتشر می‌ساختند⁵، هم‌چنین، در دوره‌ی خلفای اموی، راویان اسرائیلیات ارتباط بسیار

¹ - Lewis, (1984), p. 70

² - ابوریه، (بی. تا)، ص 150

³ - ابوریه، (بی. تا)، ص 150

⁴ - گرگور شوئلر، (1389)، ص 17

⁵ - سیوطی، (1411)، ص 97

نزدیکی با حکومت اموی شام داشتند¹. دوره‌ی حکومت معاویه، اوج ظهور احادیث جعلی و اسرائیلیات بود. در این دوران به تدریج با درگذشت صحابه‌ی پیامبر(ص)، تابعان به نقل حدیث و صدور فتوی پرداختند. اینان نیز عمدتاً مقلد سیاست‌های صحابه بودند. این امر به دلیل تأکید معاویه بر تداوم سیاست خلفای پیشین بود. معاویه مردم را از نقل حدیث منع می‌کرد، مگر آن روایت‌هایی که در زمان عمر، نقل آن‌ها جایز بود². جعل حدیث از ابزارهای مؤثر معاویه در تحکیم سلطه بنی امیه و مبارزه آنان با بنی هاشم بوده است³. هر چند جعل حدیث، عمدتاً در زمینه‌ی فضائل و رذائل موافقان و مخالفان حکومت اموی بود، اما بدیهی است، معاویه در سایر زمینه‌ها و از جمله در باب موضوع مورد پژوهش در راستای سیاست‌های حکومتی خود اقدام به جعل حدیث می‌کرد. این روند ادامه داشت تا این‌که در نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم روایت‌هایی که به صورت شفاهی از سده‌های نخستین توسط محدثان نقل می‌شد و یا در قالب یادداشت‌های شخصی نگه‌داری می‌شد، محتوای جوامع حدیثی اهل سنت را شکل دادند. بدیهی است که هم زمان با روی آوردن علمای مسلمان به تدوین و پدید آوردن نخستین آثار مدون در حدیث، برخی از روایت‌های جعلی و متأثر از اسرائیلیات در زمینه‌های مختلف و از جمله در موضوع مورد پژوهش در کنار احادیث صحیح به این آثار راه یافتند. سیاست خلیفه‌ی دوم که توسط خلفای اموی دنبال شد با قوت بیشتری تا پایان حکومت عباسیان استمرار یافت. علاوه بر نفوذ اسرائیلیات به جوامع حدیثی اهل سنت، به عللی جوامع حدیثی شیعه نیز از نفوذ اسرائیلیات مصون نماند. در بحث از اصالت حدیث شیعه توجه به دو عنصر در حدیث شیعه اهمیت دارد: نخست عنصر تقیه و نقش آن در حدیث شیعه و دیگر تأثیر فرقه‌های انحرافی بر افکار و عقاید شیعیان می‌باشد. پیروان این فرقه‌ها از تفسیر به رای یا جعل و تحریف حدیث ابایی نداشته‌اند. در این میان صادقین (ع) تندترین مواضع را در بین گروه‌های انحرافی نسبت به غلات و زنادقه داشته‌اند⁴.

¹ - پیشوایی، (1467)، ص 117

² - ذهبی، (1419)، ج 1، ص 70

³ - ابن ابی الحدید، (1407)، ج 4، ص 68

⁴ - معارف، (1374)، ص 288

در پایان این قسمت، اشاره به این مطلب ضرورت دارد که میان اسلام و یهود به دلیل ماهیت توحیدی این ادیان، اشتراکاتی وجود دارد. این امر مورد اشاره‌ی قرآن و توجه پیامبر(ص) بوده است.¹ این اشتراک در ماهیت سبب شده است تا این دو دین دارای نقاط مشترک بسیاری باشند. در هر دو دین، موضوعاتی هم چون، وحی، توحید، کتاب آسمانی، توافق در باب ایجاد فرهنگ اجتماعی مطابق با مذهب مطرح است. علاوه بر این، در یک زندگی مبتنی بر قوانین مذهبی، رابطه‌ی فرد با خدا و فرد با فرد از مفاهیم بسیار مهم و اصلی می‌باشد. رابطه‌ی فرد با خدا در قالب عبادت مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، سنت‌هایی مانند نماز، روزه و طهارت در هر دو دین مطرح است.² برخی از محققان بر این باورند که پیامبر(ص) در چگونگی اجرای آیین‌های و شعائر متأثر از باورهای ادیان پیشین بوده است.³ هر چند در ابتدای ورود پیامبر(ص) به مدینه، این امر در برخی زمینه‌ها به چشم می‌خورد؛ اما پیامبر(ص) با درک حساسیت این مطلب تلاش کردند تا مرزهای اعتقادی خود را با اهل کتاب مشخص کنند. به عنوان مثال، تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه بعد از هجرت به مدینه، بیان‌گر تلاش پیامبر(ص) برای تحدید کامل پیوندهای مسلمین حول محورهای معین می‌باشد. البته پیامبر(ص) تلاش می‌کردند تا در مرزبندی‌های اعتقادی میان اسلام و ادیان اهل کتاب، اصل پیوند رسالت ایشان با انبیای بزرگ را در اذهان مخدوش نسازند. چراکه در چنین شرایطی، علمای بزرگ اهل کتاب به عنوان یک سیاست منفی سعی داشتند تا اصل اتصال تاریخی و اعتقادی اسلام با دیانت خویش را انکار کنند و از این طریق مقاومت‌هایی را در میان اهل کتاب در گرایش به اسلام پدید آورند. خداوند در قرآن به ضرورت تمایز امت اسلامی از اهل کتاب از یک سو و واقعیت حفظ همبستگی و اتصال اسلام به رسالت انبیای بزرگ پیشین از سوی دیگر اشاره کرده است.⁴ مقوله‌ی تأثیرپذیری پیامبر(ص) و قرآن از ادیان دیگر از نظر محققان مسلمان، موضوع جدی و مورد توجه نبوده است، زیرا که از نظر مسلمانان،

¹ - احقاف/9؛ بقره/286

² - Neusnez and sonn ; (1999): p.72

³ - Wensinck , (1982) . p . 72

⁴ - بقره/150-125

قرآن، کلام الهی می باشد و از هر گونه جعل و تحریف به دور است¹. اما، موضوع تأثیر یهود در اسلام از منظر سنت اسلامی از یک سو و نیز تعامل علمای یهودی با علمای مسلمان در جریان شکل‌گیری تمدن اسلامی می تواند مورد توجه قرار گیرد.

تأثیرپذیری مسلمانان در سده های نخستین حیات جامعه‌ی اسلامی و متأثر از یهودیان منطقه‌ی جزیره‌ی العرب، موضوعی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به پیشینه‌ی ارتباط عرب با یهود قبل از اسلام و نفوذ فکری و فرهنگی یهود²، اینان یک سلطه‌ی فکری بر عرب داشتند. به نظر می رسد، این ویژگی در دوره‌ی اسلامی با جریان نفوذ اسرائیلیات و رواج آن‌ها در جامعه‌ی اسلامی تداوم یافت.

روایت‌های منقول از منابع یهودی بر سه دسته است: دسته‌ی نخست، آن بخش از روایت‌های منقول از منابع یهود است که صحت آن‌ها با منابع اسلامی از کتاب و سنت نبوی تأیید می گردد و پذیرش مضمون آن‌ها نیز از همین روست. دسته‌ی دیگر، آن‌هایی است که با منابع اسلامی مغایرت دارد و اساساً ناپذیرفته است. دسته‌ی آخر، یعنی آن‌چه در منابع اصیل اسلامی از آن سخنی نیامده است؛ نه نمی توان به درستی و نه به نادرستی آن حکم کرد³. شباهتی که میان باورهای یهود و احادیث اسلامی به چشم می خورد، شباهت در حوزه‌ی دین نیست؛ بلکه شباهت از منظر فرهنگ اسلامی با فرهنگ یهود است. در پژوهش حاضر، چگونگی این شباهت در موضوع حیات اجتماعی زن مورد توجه می-باشد.

بازتاب باورهای یهود در بعد حیات اجتماعی زن در جامعه‌ی اسلامی

اولین چیزی که در مورد نگاه به زن در جامعه‌ی اسلامی بعد از رحلت پیامبر (ص) جلب توجه می کرد، این بود که بینش جامعه در موضوع خلقت بر اساس نص صریح قرآن، خلقت زن و مرد را از اصلی واحد می دانست اما عرف متداول در جامعه این بود که خداوند زن و مرد را از دنده‌ی چپ مرد

¹ - Lewis , (1984), p.70

² - جوادعلی، (1413)، ج 6، ص 549

³ - ابن کثیر، (1413)، ج 1، ص 6-7

آفریده است.¹ پیامد این نگرش یعنی این که زن طفیلی مرد است و خداوند زن را برای مرد آفریده است. خلیفه‌ی دوم به عنوان جانشین رسول خدا(ص) و خلیفه‌ی مسلمین درباره‌ی زنان می‌گفت: "شاوروهن و خالفوهن" مشورت کنید با زنان و مخالفت نمایید آنان را² حضور در اجتماعات دینی؛ همان‌طور که دیدیم، زنان در دوره‌ی پیامبر(ص) در مساجد حضور می‌یافتند و به اقامه‌ی نماز جماعت می‌پرداختند. هم‌چنین در نماز جمعه، نماز عیدین و مراسم حج حضور داشتند. البته، بسیاری از مردان حتی در عصر پیامبر(ص) و با وجود تأکیدات فراوان ایشان مبنی بر حضور زنان در مسجد و عدم ممانعت مردان از آن، نسبت به خروج زنان خود از منزل، حساسیت نشان می‌دادند. خلیفه‌ی دوم از رفتن همسر خود به مسجد، رضایت نداشت. اما تنها به خاطر دستور پیامبر(ص) او را از این کار نهی نمی‌کرد.³ زمانی که وی به خلافت رسید با اقتدار بیشتری به ایده‌های خود جامه عمل پوشاند. مردانی که موافق نظر او بودند، از حضور همسران خود در مسجد ممانعت کردند⁴ بعدها چنان شد که وقتی عبدالله بن عمر، به نقل از پیامبر(ص) گفت: "که زنانتان را اجازه دهید، شب هنگام به مسجد بیایند"، پسرش به اعتراض گفت: به خدا قسم اجازه نمی‌دهیم به مسجد روند و آنرا وسیله‌ی فریب و نیرنگ قرار دهند.⁵ بدین ترتیب، برخلاف گفتمان نبوی، بعد از رحلت پیامبر(ص)، جامعه‌ی اسلامی تمایل چندانی به حضور زنان در مناسبات اجتماعی نداشت. تصور بر این بود که با تداوم سیره‌ی پیامبر(ص) در زمینه‌ی مشارکت اجتماعی زنان، جامعه شاهد حضور گسترده‌تر و فعال‌تر زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... باشد. اما، برخلاف این تصور، از همان ابتدای رحلت پیامبر(ص) و در زمان خلیفه‌ی دوم، با منع زنان از حضور در برخی اجتماعات دینی(مانند نماز جماعت صبح و عشاء)⁶ و در ادامه با ممانعت از حضور زنان در مساجد برای خواندن نماز و شرکت

¹ - قشیری نیشابوری، (1972)، ج 3، ص 267

² - غزالی، (1377)، ج 2، ص 93

³ - ابن حجر، (بی. تا)، ج 4، ص 364

⁴ - ابن اثیر، (بی. تا)، ج 7

⁵ - ابن ابی شیبیه، (1409)، ج 3، ص 148

⁶ - بخاری، (1407)، ج 1، ص 277

در جلسات یادگیری قرآن و تأکید و توصیه به ماندن زنان در خانه، عملاً زنان از مهم‌ترین کانون تجمع و گردهمایی مسلمانان و از عرصه‌های مشارکت و حضور در جامعه کنار گذاشته شدند. اراده‌ی جامعه بر این اندیشه استوار شد که زنان حق دخالت و مشارکت در امور جامعه را ندارند. بدین ترتیب، برای رفتن زنان به مساجد و حضور در مراسم عبادی، محدودیت‌هایی به وجود آمد و زنان را به اقامه‌ی نماز در خانه تشویق می‌کردند. به نقل از «عایشه» آمده است: «اگر زنی در خانه‌اش نماز بخواند، بهتر از آن است که در حجره‌اش بخواند؛ اگر در حجره‌اش بخواند، بهتر از آن است که در مسجد نماز بخواند¹. هم‌چنین عبدالله بن مسعود که به زنان و مردان در مسجد، قرآن می‌آموخت، زنان را از مسجد بیرون کرد و گفت: برای شما، خانه‌هایتان بهتر است² با این سیاست، زنان از مهم‌ترین مرکز تعلیم و تعلم - مسجد - به دور ماندند و از فرهنگ و معارف اسلامی محروم شدند. به زودی سنت پیامبر (ص) در مورد حضور زنان در مسجد، با وجود تأکیدات مکرر آن حضرت چنان مغفول و متروک گردید که کسی باور نمی‌کرد، زنان در عصر ایشان به مسجد می‌رفته‌اند³. در احادیثی منسوب به رسول خدا (ص) آمده است: بهترین مساجد برای زنان، خانه‌های ایشان است⁴. هم‌چنین شرکت در نماز جمعه و جماعت برای زنان واجب نیست⁵ روایت شده است که حضور زنان در نماز عیدین (فطر و قربان) جایز نیست؛ مگر پیر زنان⁶. زنان اجازه نداشتند، حتی در اجتماعات زنان، امامت نماز را به عهده بگیرند⁷ و این برخلاف سیره‌ی پیامبر (ص) بود که به یکی از زنان صحابی دستور داد که امامت اهل خانه‌اش را به عهده بگیرد⁸ برخی معتقدند، چون زنان در اجتماعات مردان محاسبه نمی‌شوند، به این

¹ - ابن جوزی، (1423)، ص 149

² - بلاذری، (1996)، ج 11، ص 228

³ - ابن ابی شیبه، (1409)، ج 3، ص 148

⁴ - ابن حنبل، (1404)، ج 6، ص 97

⁵ - المنذری، (1968)، ج 2، ص 253؛ صدوق، (1367)، ج 6، ص 292

⁶ - بخاری، (1407)، ج 2، ص 220؛ صدوق، (1377)، ج 1، ص 352

⁷ - ابن جوزی، (1423)، ص 143

⁸ - ابن اثیر، (بی تا)، ج 5، ص 489

دلیل شرکت آن‌ها در نماز جمعه واجب نیست¹. این نظر را می‌توان با باور یهودیان در باب عدم محاسبه‌ی زنان در حد نصاب‌های دینی مقایسه کرد.

زن و علم آموزی؛ همان‌طور که اشاره شد، اراده‌ی جامعه بر این اندیشه استوار شد که زنان حق حضور در عرصه‌های اجتماعی را ندارند. از آن‌جا که امر تعلیم و تربیت، گام مهمی در آگاهی بخشیدن به زنان بود، تلاش کردند تا با ایجاد محدودیت، مانع از علم آموزی زنان شوند. نکته‌ی مهم در این امر، هم‌سوئی اندیشه‌ی قائلان به ایجاد محدودیت برای علم آموزی زنان با باورهای یهود در توجیه این مسأله بود. در حدیثی منسوب به پیامبر(ص) آمده است، زنانان را در طبقات فوقانی جای ندهید و نویسندگی به آنان نیاموزید؛ نیز سوره‌ی یوسف را به آن‌ها تعلیم ندهید. بافندگی و سوره-ی نور را به آنان بیاموزید². بر این عقیده بودند که ضرورتی برای آموزش دقائق دین به زن نیست³. بی تردید باور جامعه به کم‌خردی زن در محروم ماندن وی از علم آموزی مؤثر بود. تأکید بر این امر بود که آموزش زن باید از طریق محارم باشد؛ در غیر این حالت و در صورت ضرورت، زن می‌تواند از یک عالم، آن هم در اماکن عمومی، سوال خود را بپرسد⁴. این پیشش به علم آموزی زن و هم‌سوئی با باورهای یهود در آثار برخی بزرگان نیز بازتاب یافته است. غزالی در کتاب خود می‌نویسد: عالمی، دختری را تعلیم و آموزش می‌داد؛ به او گفته شد "بدی را بدی می‌آموزد"⁵. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که امر یادگیری بیشتر به صورت موروثی در آمده بود. بدین معنا که، اگر در یک خانواده، پدر، برادر یا همسر سواد داشت و از دانشی برخوردار بود، آن‌را به زن و یا دختران خود نیز می‌آموختند. زنان این قبیل خاندان‌ها، در واقع از طریق محارم خود، علم را فرا می‌گرفتند⁶. بدیهی است، سایر زنان که از چنین امتیازی برخوردار نبودند، بهره‌ی چندانی از علم نمی‌بردند. زن و مشارکت در

1 - المنذری، (1968)، ج 2، ص 253

2 - صدوق، (1374)، ج 2، ص 374

3 - صدوق، (1367)، ج 5، ص 91

4 - ابن جوزی، (1423)، ص 102

5 - غزالی، (1361)، ص 269

6 - کحاله، (1404)، ج 2، ص 295

امور سیاسی؛ یکی دیگر از شاخص‌های حضور اجتماعی زن، میزان مشارکت او در مسائل سیاسی و سهم شدن در سرنوشت جامعه و تدبیر امور است. در گفتمان اسلام، بر حضور زنان و مردان مسلمان در عرصه‌های سیاسی و سهم شدن در اداره‌ی امور جامعه تأکید شده است. امّا، بعد از رحلت پیامبر(ص)، اراده‌ی جامعه بر این اندیشه استوار شد که زنان حق مداخله در امور سیاسی را ندارند. رواج باورهایی هم چون نقصان عقل زن، عدم مشورت با زن، عمل نکردن براساس رأی و نظر زن، عدم اطاعت از زن و فضیلت عدم خروج زن از خانه این اندیشه را تقویت کرد. باور جامعه بر این بود که مداخله‌ی زنان در امور جامعه، باعث فساد و تباهی آن می‌شود.¹ محدودیت و تبعیض جنسیتی سیاسی و حقوقی در فرهنگ یهود نیز دیده می‌شود. در حدیثی منسوب به پیامبر(ص) آمده است: قومی که زمام امور خویش را به یک زن واگذار کنند، رستگار نخواهند شد.² در حدیث دیگری آمده است: زنان نباید در امور قضایی شرکت داشته باشند. جایز نیست که متصدی امر فرماندهی شوند. زنان در امور طرف مشورت قرار نمی‌گیرند.³ نقل شده است: هر مردی که یک زن برای او تدبیر کند از رحمت خدا به دور است.⁴

ارزیابی احادیث

در بررسی روایت‌ها، برای تشخیص خبر صحیح از غیر صحیح، هم نقد متن حدیث و هم نقد اسناد مورد توجه می‌باشد. در بحث از نقد متن حدیث، یکی از معیارها و موازین بررسی متن حدیث و تشخیص خبر صحیح از سقیم، عرضی روایت به قرآن و سنت و سیره‌ی قطعی پیامبر(ص) است.⁵ در پژوهش حاضر، شاخص‌های حیات اجتماعی زن در گفتمان قرآن و گفتمان نبوی بررسی شده است. هم چنین، این شاخص‌ها در فرهنگ یهود نیز مورد توجه قرار گرفته است. همان‌طور که اشاره شد، روایت‌های منقول از فرهنگ یهود مشتمل بر سه دسته است که دسته‌ای از این عناصر فکری یهود، آن-

¹ - ترمذی، (بی.تا)، ج.2، ص.256

² - نسایی، (1408)، ج.8، ص.618؛ بخاری، (1408)، ج.3، ص.181

³ - صدوق، (1374)، ج.2، ص.373

⁴ - کلینی، (1363)، ج.8، ص.518

⁵ - معماری، (1384)، ص.32

هایی است که با منابع اصیل اسلامی مغایرت دارد. مقایسه‌ی گفتمان قرآن و گفتمان نبوی با مرویات مورد توجه در این پژوهش، نشان دهنده‌ی نوعی تعارض میان این روایت‌ها با گفتمان اسلام است. از سوی دیگر، با توجه به جریان نفوذ اسرائیلیات در سده‌های نخستین اسلامی در زمینه‌های مختلف و از جمله در موضوع مورد پژوهش، به نظر می‌رسد محدودیتی که در فرهنگ یهود در ارتباط با حیات اجتماعی زن وضع شده در احادیث اسلامی نیز بازتاب یافته است. به عبارت دیگر، مرویات مورد پژوهش، هم‌سوئی بیشتری با باورهای یهود دارند تا گفتمان اسلام. از این رو، تعارض آن‌ها با منابع اصیل اسلامی، صحّت این روایت‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد. علاوه بر نقد متن روایت‌ها، به هنگام تشخیص حدیث صحیح از غیر صحیح، نقد سند نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. گاهی ممکن است راویان یک حدیث، ثقه و مورد اعتماد باشند؛ اما روایت به لحاظ متن صحیح نباشد. به تعبیر دیگر، در این حالت می‌توان گفت که راویان جعل شده‌اند. یعنی همان‌گونه که جعل متن وجود دارد، جعل سند نیز هست.¹ با وجود این، توجه به احوال راویان برای تشخیص حدیث صحیح از سقیم اهمیت دارد.

در اسناد مرویات مورد بررسی در پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد احبارِ نومسلمان به طور مستقیم تأثیر گذار نبوده‌اند. هر چند در سند سایر روایت‌ها در موضوعات دیگر در باب زن می‌توان تأثیر مستقیم آن‌ها را دید.² اما در سند این مرویات، راویان مشهور به نقل روایت از احبار نومسلمان دیده می‌شوند.³ هم‌چنین، راویانی که هم‌سو با سیاست خلفا بوده و اجازه‌ی نقل حدیث داشته‌اند.⁴ نکته‌ی قابل تأمل این است که تعداد قابل توجهی از راویان در اسناد این روایت‌ها، "بصری" هستند.⁵ برخی از راویان این روایت‌ها از موالیان خاندان اموی⁶ و برخی نیز از کارگزاران حکومت

¹ - معماری، (1384)، ص 76

² - برای نمونه نک: وهب بن منبه؛ طبری؛ (1412)، ج 1، ص 273

³ - برای نمونه نک: ابوهریره؛ نیز نک: نقل عثمان بن الهیثم (ابن حجر)، (1415)، ج 7، ص 139) از عبدالملک بن جریج که محور روایت های اسرائیلی در زمان تابعین است.

⁴ - برای نمونه نک: عایشه؛ ابن جوزی، (1423)، ص 149

⁵ - برای نمونه نک: شعبه بن حجاج؛ ابن حجر (1415)، ج 4، ص 308؛ محمد بن مثنی؛ ابن حجر (1415)، ج 9، ص 368

⁶ - نک: فزعه بن یحیی؛ ابن حجر، (1415)، ج 8، ص 327

اموی و عباسی هستند¹. تعدادی از آنان نیز به روایت از راویان مشهور به نقل اسرائیلیات پرداخته‌اند². در این میان، راویانی هستند که متهم به خلط روایت‌ها و نیز نقل روایت‌ها ضعیف می‌باشند³. هم‌چنین وجود راویان ضعیف⁴ در اسناد مرویات از جوامع روایی شیعه، صحت این روایت‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد. با وجود اعتماد به وثاقت تعدادی از این راویان، به دلیل تعارض متن روایت‌های با گفتمان اسلام، احتمال تحریف و جعل در این روایت‌ها، امری دور از ذهن نیست. لذا، صحت و حجیت این دسته از روایت‌ها می‌تواند مورد تردید قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در حیات جاهلی، قدرت مردانه تأثیر خود را در ابعاد مختلف زندگی زنان به جای نهاده بود. اما، بر اساس گفتمان اسلام در حوزه‌ی مشارکت اجتماعی، زن و مرد هر دو می‌توانند هم‌سان فعالیت کنند. با رحلت پیامبر(ص). سیاست جامعه از همان ابتدا بر این قرار گرفت که زن از عرصه‌های اجتماعی کنار گذاشته شود. با نقل روایت‌ها و احادیثی، هرگون دخالت و همراهی زنان در امور جامعه از آنان سلب شد.

این احادیث متأثر از باورهای یهود به فرهنگ اسلامی راه یافت. به نظر می‌رسد در شرایطی که اراده‌ی جامعه‌ی اسلامی بر محدودیت زن استوار شده بود، بستری فراهم شد تا این عناصر فرهنگ یهود به وسیله‌ی مسلمانان مورد پذیرش قرار گیرد. در مجموع، تعارض این روایت‌ها با گفتمان اسلام و هم‌سوئی آن‌ها با باورهای یهود و اندیشه‌ی جاهلی منجر به بازتولید نگاه جاهلی به زن شد. یعنی، بازتولید محدودیت و قرار دادن زن در جایگاهی پایین‌تر از مرد به مانند عصر جاهلی در شکل و قالب جدید

¹ - نک: سلیمان بن حرب؛ ابن حجر (1415)، ج 4، ص 161

² - برای نمونه نک: قزعه بن یحیی؛ ابن حجر، (1415)، ج 8، ص 327

³ - برای نمونه نک: عبدالملک بن عمیر؛ ابن حجر، (1415)، ج 6، ص 359؛ حمید الطویل؛ ابن حجر، (1415)، ج 3، ص 34

⁴ - نک: جابر بن یزید جعفی؛ نجاشی، (1411)، ج 1، ص 100

فهرست منابع

- 1- ابن اثير، عزالدین ابی الحسن علی (بی.تا) اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- 2- ابن ابی الحدید، (1407) شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالجمیل،
- 3- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (1409)، المصنف فی الاحادیث و الاثار، بیروت، دارالتاج
- 4- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (1423) احکام النساء، بیروت، المكتبة العصریه
- 5- ابن حَجَر عَسْقلانی، احمد بن علی (بی.تا) الإصابه فی تمييز الصَّحابه، بیروت، دارالفکر
- 6- ابن حنبل، احمد، المسند، (1404) تحقیق احمد محمد شاکر، مصر، دارالمعارف
- 7- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، (1405) الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت
- 8- ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد (1404) العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیه
- 9- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (1415)، المعارف، قم، منشورات شریف رضی
- 10- ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1413 هـ.
- 11- ابن هشام (1985) السیره النبویه؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی
- 12- ابوریثه، محمود، (بی.تا) اضواء علی السنه المحمدیه، بیروت، مؤسسه منشورات الاعلمی، للمطبوعات
- 13- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی.تا) الاغانی، بیروت، مؤسسه جمّال للطباعه و النشر
- 14- بخاری، محمد بن اسماعیل، (1407) صحیح، بیروت، دارالقلم
- 15- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (1996) جُمَل من انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر
- 16- پیشوایی، مهدی (1367) "راه‌های نفوذ اسرائیلیات در تاریخ اسلام"، قم، پیام حوزه، شماره 13
- 17- جلالی کندری، سهیلا (1383) زن مسلمان، پرده نشینی یا حضور اجتماعی، تهران، دانشگاه الزهرا (س)
- 18- جواد علی (1413) المفصل فی التاريخ العرب قبل الاسلام، بغداد، مکتبه النهضه
- 19- حسین، الحاح حسن (1984) حضاره العرب فی عصر الجاهلیه؛ بیروت، المؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع.

- 20- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (بی.تا) سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله
- 21- — (بی تا) میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالفکر
- 22- دیاری، محمد تقی (1379) پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی
- 23- السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (1411) تاریخ الخلفاء، قم، منشورات رضی
- 24- شوئرلر، گرگور، مقایسه ی تورات شفاهی و حدیث در نقل و روایت، منع نگارش و تدوین آن دو؛ ترجمه لیلا هوشنگی، مجله علوم حدیث، 1389
- 25- صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، 1367، من لایحضره الفقیه، (متن عربی با ترجمه فارسی)، محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق
- 26- — (1377) معانی الاخبار، (متن عربی با ترجمه فارسی)، شیخ عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- 27- — (1374) خصال، (متن عربی با ترجمه فارسی)، محمد باقر کمره‌ای، تهران، انتشارات کتابچی
- 28- — (1373) مواعظ، ترجمه عزیزا... عطاردی، تهران، عطارد
- 29- غزالی، محمد بن محمد؛ (1377) احیاء علوم الدین؛ ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، علمی و فرهنگی
- 30- — (1361) نصیحه الملوک، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، انتشارات بابک
- 31- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (1972)، صحیح، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- 32- کتاب مقدس (یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید)، (1094) ترجمه از عبرانی و کلدانی و یونانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه
- 33- کحاله، عمر رضا (1404)، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، بیروت، مؤسسه الرساله
- 34- کلینی، محمد بن یعقوب، (1363) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- 35- کوهن، آبراهام (1382) گنجینه ای از تلمود، ترجمه ی انگلیسی امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر

- 36- مشارقه، محمد زهير (1988) الحياه الاجتماعيه عندالبر في الوطن العربي، دمشق، دار طلاس
للدراستات و الترجمه و النشر
- 37- معارف، مجيد (1377)، تاريخ عمومي حديث، تهران، كوير
- 38- معماری، داود، (1384) مبانی و روش‌های نقد متن حديث از دیدگاه اندیشه واران شیعه، قم،
بوستان کتاب
- 39- المنذرى، عبدالعظيم بن عبدالقوى، (1968) الترغيب و الترهيب، بيروت، داراحياء التراث العربى .
- 40- نسایی، احمد بن شعیب، (1408) سنن، بیروت، دارالکتب العلمیه
- 41- واقدى، محمد بن عمر، (1409) المغازى، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- 42- هولم، جین و جان بوکر (1384) زن د رادیان بزرگ جهان، ترجمه‌ی علی غفاری، تهران،
امیرکبیر
- 43-Lewis , Bernard , The Jews of Islam , Princeton, 1984
- 44-Encyclopedia Judaica , Jerusalem , 1978-1982. S.V ." Woman
"
- 45-Encyclopedia Judaica , Jerusalem , 1978-1982. S.V ." Education of Jewish Women"
- 46-Neusnez , Jacob and Tamara sonnn , comparing religions through Low , Judaism and Islam , Rout Ledge , Us A and Canada , 1999
- 47-Wensinck , Arent jan , Muhammad and the Jews of Medina , tr and ed . Wolfgang H.Behn , 2nd .ed Berlin , 1982